عکس: ابوالفضل نسائی

تجربیات یک نمایشگاه سپری شده

گفت‌وگو با حمید قبادی معاون اجرایی نمایشگاه کتاب تهران

حمید قبادی، برای اهالی کتاب نام آشنایی است. با برگزاری نمایشگاه کتاب در هر دوره نام او را بارها در رسانه ها می بینیم و می شنویم. قبادی معاون اجرایی نمایشگاه کتاب است. در شرایطی که نمایشگاه به پایان رسیده بود و سکوت مصلای تهران را کامیون های حامل کتاب و فعالیت کارگران می شکستند، وارد محل کار او شدیم. بسیاری از بخش ها جمع آوری شده و به جایش پس مانده کاغذهای تبلیغاتی روی زمین پراکنده بود. حاضران در نمایشگاه می گفتند چند روزی در این جا کار دارند تا نمایشگاه برایشان به پایان برسد، اما معاون اجرایی نمایشگاه گفت: حداقل تا یک ماه دیگر میهمان مصلی هستیم.

قبادی ۴۰ ساله، برای سومین بار مسئولیت معاونت اجرایی بزرگترین رویداد فرهنگی سال را برعهده دارد، او پیشتر هم در نمایشگاه های کتاب حضور داشته تا دوازده دوره گذشته، اما با مسئولیت هایی دیگر. گفت‌وگوی ما را با وی می خوانید:

[بهمن عبداللهی]

■ **آقای قبادی، چند روزی است که نمایشگاه به پایان رسیده، اما شما همچنان در مصلی حضور دارید، قصد ندارید استراحت کنید؟**

راستش ما کارمان هنوز تمام نشده، گروه اجرایی مدت ها پیش از آغاز نمایشگاه، در این محل مستقر شده بود و کار ستادی خودش را شروع کرده بود. طبیعی است که اتمام نمایشگاه به معنای پایان کار حوزه اجرایی نیست. یعنی بخش های مختلف باید فعالیت هایشان را جمع کنند و به نوعی خاتمه کار حوزه اجرایی، پایان تمامی کارهای مرتبط با نمایشگاه در محل برگزاری است، شاید ما و نمایندگان ما تا یک ماه پس از این هم در محل مصلی حضور داشته باشیم. درواقع آخرین بخش کار ترخیص و خروج کتاب های خارجی باقی مانده است. فکر می کنم، از پیش از برگزاری تا ترک نمایشگاه حدود چهار ماه در مصلی مستقر هستیم.

■ **همانطور که می دانید این نمایشگاه مهمترین رویداد فرهنگی سال است، لطفاً بفرمایید که از زمان کلیدزدن یک دوره تا پس از برگزاری ،دقیقاً چه مقطع زمانی به طول می انجامد؟**

نمایشگاه امسال واجد یک سری از ویژگی ها بود، بنابراین شروع فعالیت های آن بلافاصله پس از برگزاری دوره بیستم بود. از همان ابتدا جلسات شورای برنامه ریزی آغاز شد و در جلسات متعددی که داشتیم نه به صورت تشریفاتی بلکه به طور مشخص درباره مسائل مختلف بحث و بررسی صورت گرفت. در این جلسات درباره مشکلات موجود دوره قبل و حتی نمایشگاه های قبل تر، فعالیت هایی که باید پیگیری می شد، دستور العمل های جدید و راهکارهای پیش بینی شده در شورا بحث و گفت‌وگو انجام شد و براساس مصوبات این جلسات وظایف کمیته ها و حوزه های مختلف مشخص شد. پس از این جلسات ما از مهرماه کارمان را در حوزه اجرایی مشخصاً آغاز کردیم و اولین کاری که پیگیری کردیم مشکل برق و کابل های موجود روی زمین غرفه ها بود که در نهایت با همکاری وزارت نیرو این مشکل برطرف شد و در ایام نمایشگاه برق به قدر کافی وجود داشت، مشکل قطعی نداشتیم و هیچ مزاحمتی هم برای بازدیدکنندگان به وجود نیامد.

از مسائل دیگری که پیگیری کردیم بحث پاکیزگی و نظافت محل نمایشگاه بود، همانطور که می دانید نمایشگاه کتاب یک دوره ده دوازده روزه دارد و طبیعی است که بسیاری از امکانات برای این مدت پیش بینی می شود، در این باره نظافت و بهداشت نمایشگاه اهمیت داشت و به دلیل وسعت کار، نیازمندی های فراوان وضرورت استفاده از تجهیزات مناسب هیچ شرکتی حاضر به همکاری نشد، تا آن که با هماهنگی سازمان خدمات موتوری شهرداری تهران شرکت باغشهر این وظیفه را پذیرفت و بالغ بر سه میلیارد تومان تجهیزات و به قدر کافی نیروی انسانی در نمایشگاه مستقر کرد و در این زمینه نمره قابل قبولی گرفت.

■ **به طور مشخص چند محور را در بخش اجرایی دنبال می کردید؟**

بیش از ۳۰۰ فاکتور را دنبال می کردیم، از کارهایی که مستقیماً به این بخش مربوط می شد تا فعالیت هایی که توسط بخش های دیگر صورت می گرفت، اما هماهنگی آنها برعهده ما بود. مثلاً در بخش گمرک بهره برداری توسط حوزه بین الملل صورت می گرفت اما هماهنگی محل استقرار ماشین آلات و ترخیص کار توسط حوزه اجرایی صورت می گرفت، یا تقسیم بندی و واگذاری غرفه ها توسط کمیته ناشران داخلی و تشکل صنفی آنها انجام می شد، اما آماده سازی ، طراحی ، توزیع فضاها و غیره بر عهده ما بود. در بخش جنبی هم بخش سوم فعالیت نمایشگاه است، اما آماده سازی و طراحی آن حوزه توسط بخش اجرایی صورت می گرفت، همین طور بخش های دیگر.

■ **شما در دوره های پیش هم مسئولیت های اجرایی داشتید، می خواهم بفرمایید دراین دوره مهم ترین کاری که صورت گرفته، چه بوده است؟**

ما در سال گذشته محل برگزاری نمایشگاه را عوض کرده بودیم و این موضوع شرایط خاص خود را به وجود آورده بود. ما در سال گذشته یک سری از فاکتورها را دنبال کردیم و نتایجی هم به دست آوردیم. اما در دوره جدید سعی کردیم فاکتورهایی که به عنوان نقاط مثبت در سال گذشته شناسایی شده بود، امسال برجسته شود. رویکردی که ما در بخش اجرایی این دوره داشتیم این بود که هم نمایشگاه زیبا داشته باشیم و هم پاکیزه، ضمن آن که مردم از خدمات عمومی بهتری بهره مند شوند. خوشبختانه این امر در بسیاری از امور محقق شد. به طور مثال ما بودن مترو را در محدوده مصلی یک نعمت می دانیم و از همه مهم تر همکاری مسئولان این حوزه با نمایشگاه بوده است. در این ۱۱ روزه ما شاهد افزایش فعالیت خط مترو بودیم و همکاری مسئولان مترو باعث شد که توقف سر خط آن از هر پنج دقیقه به چهار دقیقه کاهش پیدا کند. همچنین شرکت واحد اتوبوسرانی همکاری خوبی داشت و با ایجاد پایانه های مستقل در شهر و محل نمایشگاه بخش قابل توجهی از بازدیدکنندگان را جا به جا کردند. استفاده از بانک صادرات به عنوان بانک عامل و عملیاتی مالی نمایشگاه بسیار قابل توجه بود و بویژه در بخش فروش کتاب های خارجی با کمترین مشکل مواجه بودیم. حتماً می دانید که در بخش فروش کتاب های خارجی سه مجموعه یعنی اطلاعات ناشران ، نرم افزار ثبت و عملیات مالی باید در کنار هم قرار گیرند تا نیاز خریداران رفع شود.

ما امسال در بخش حمل و نقل برای اولین بار سرویس تردد رایگان قرار دادیم که ۲۰ دستگاه خودروی جمعی اقدام به این کار می کردند، گرچه به علت جلوگیری از ازدحام و شلوغی بیش از این تعداد استفاده نکردیم اما لازم است برای دوره های بعد برنامه ریزی بهتری صورت گیرد تا ظرفیت این ناوگان افزایش پیدا کند.

نکته دیگری که دراین دوره اتفاق افتاد، اطلاع رسانی داخلی نمایشگاه بود، در این دوره ما تمامی راهروها و غرفه ها را شماره گذاری کردیم که البته شماره گذاری راهروها برای نخستین بار اتفاق می افتاد. همین طور تابلوهای متعدد اطلاع رسانی در سطح نمایشگاه به مردم کمک می کرد مسیرها را به راحتی پیدا کنند. ما ۱۵ کیوسک توزیع نقشه داشتیم که در عین حال کار راهنمایی انجام می دادند، در این زمینه سه میلیون برگ نقشه توزیع شد.

ترمیم و آماده سازی سرویس های بهداشتی از جمله کارهای ما بود و تعداد سرویس های بهداشتی مصلی نسبت به محل قبلی بیش از پنج برابر بود. همچنین آبخوری هایی تعبیه شده بود که با استفاده از آب شرب شهری پر می شدند.

برنامه‌ریزان بودجه کشور باید به نمایشگاه به عنوان یک فرصت مناسب فرهنگی در کشور توجه کنند

ویژگی دیگر نمایشگاه تعداد عناوین ارائه شده بود، ما در مجموع حدود ۱۵۰ هزار عنوان کتاب جدید و چاپ مجدد منتشره در سه سال گذشته داشتیم که در بخش داخلی و خارجی ارائه شده بودند، اما با توجه به این که ناشران کتابهای گذشته خود را هم به معرض فروش گذاشته بود در مجموع ۳۰۰ هزار عنوان کتاب ارائه شده بود. البته تأکید ما روی کتاب های چاپ سه سال گذشته برای شناسایی و حضور ناشران فعال است. این عدد کم نظیر است و جای افتخار دارد.

حضور فعال رسانه های عمومی ازجمله ویژگی های نمایشگاه بود، یعنی همه رسانه های رادیویی در نمایشگاه حضور داشتند، بسیاری از شبکه های تلویزیونی هم حضور داشتند و دو استودیو تلویزیونی برای این عزیزان تدارک دیده شده بود.

اقدام شجاعانه ای که در این دوره انجام شد، نصب دستگاه های کارت خوان بود و ما برای اولین بار در کشور شاهد نصب ۱۳۰۰ دستگاه کارت خوان در غرفه های نمایشگاه بودیم، البته پیش بینی دو هزار دستگاه را کرده بودیم. این کار با همکاری بخش مخابرات خودمان انجام شد و غیر از دو روز اول که مشکل فنی داشتیم درروزهای بعد مشکلی نداشتیم و در مجموع بیش از ۲۵۰ هزار بار تراکنش داشتیم و حدود دو میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان از همین طریق کتاب خریداری شده است.

امسال اتفاق دیگری هم افتاد که به دلیل توجه به زیباسازی و تأثیر بصری صحن مرکزی را از حالت ساده آن در گذشته خارج کردیم و تندیس نمایشگاه را در آن طراحی و اجرا کردیم. همچنین زیبایی و یکدستی غرفه سازی در شبستان از کارهای این دوره بود. امسال تمامی غرفه ها یعنی در ۲۵ هزار متر مربع به یک رنگ درآمد. نمازهای باشکوه ظهر و عصر و مغرب و عشاء در محل ایوان جنوبی شبستان برگزار شد و استقبال چشمگیری از آن به وجود آمد. من فکر می کنم تلفیق حوزه فرهنگی و دینی ما در نمایشگاه کتاب واقعاً عینیت پیدا کرد و ما حضور جوانان را در این بخش واقعاً ارزشمند می دانیم.

آماده باش نیروهای امدادی و درمانی ازجمله کارهای صورت گرفته بوده است. در این دوره ۵۰۰ نفر در بخش های امدادی مثل آتش نشانی و اورژانس حاضر بودند و اقدام به خدمات رسانی کردند.

البته همکاران آتش نشانی مدت ها قبل از برگزاری نمایشگاه یعنی زمان ورود کتاب های خارجی در نمایشگاه حضور داشتند، حتی مستمراً از بخش ها بازدید می کردند و ایرادها را برطرف یا گوشزد می کردند.

■ **با توجه به گستردگی نمایشگاه و حجم میلیونی بازدیدکنندگان با مشکل آتش سوزی یا عوارض جسمانی بازدیدکنندگان مواجه نشدید؟**

خیر. ما در این بخش هیچ مشکل خاصی نداشتیم، حداقل گزارش های واصله مشکل جدی را نشان نمی داد. اما ممکن است آتش سوزی در سطل های زباله دیده شده باشد که البته به خاطر انداختن ته سیگار یا کبریت روشن صورت گرفته باشد، خوشبختانه مشکل حریق در آتش نشانی و مشکل جسمی در اورژانس نداشتیم. احیاناً در بخش آتش نشانی چند مورد مأموریت مختصر داشتیم که بیشتر برای پیشگیری بوده تا اطفای حریق. در مجموع لحاظ ایمنی این دوره مثال زدنی بود.

نکته ای که ما امسال شاهد آن بودیم افزایش خدمات عمومی و افزایش تعداد باجه های پست بود. امسال دوستان ما در شرکت پست و مشخصاً در منطقه ۱۵ پستی بسیار خوب عمل کردند و بنابر گزارش آنها بیش از ۷۰۰ تن از این طریق کتاب حمل شده است که عدد قابل توجهی است و با آنکه سرویس خارجی نداشتند، اما همکاری کردند و ارسال به خارج هم داشته اند. افزایش تعداد استراحتگاه ها و ایجاد واحد دریافت امانات از کارهای دیگر بود. یک اتفاق دیگری که امسال شاهد بودیم، افزایش ساخت غرفه های طراحی شده توسط ناشران بوده و بیش از ۶۰ ناشر برای خودشان غرفه ساختند که این امر باعث افزایش زیبایی نمایشگاه شده بود و امسال مشخصاً در حوزه انتخاب ناشران برگزیده در این بخش هم برگزیدگانی داشتیم.

من در مجموع نمایشگاه کتاب تهران را به عنوان «۱۱ روز نشاط فرهنگی» یاد می کنم. حضور مقام معظم رهبری در نمایشگاه باعث دلگرمی و افتخار مسئولان و خدمتگزاران نمایشگاه شد. وقتی ایشان به نمایشگاه آمدند در گفت و گویی که با ناشران داشتند، این گفت و گو از یک حلاوت و شیرینی برخوردار بود و ناشران مشکلات خودشان را مطرح کردند و ایشان هم لطف کردند و با بلندنظری نکات مورد نظر را شنیدند و احتمالاً نکاتی را هم یادآور شدند. ما در این دوره شاهد حضور چهار میلیون و نیم بازدیدکننده بودیم که در نوع خودش رقمی کم نظیر و قابل ملاحظه است.

من نکاتی را هم به عنوان نقاط ضعف نمایشگاه می گویم که فکر می کنم برای شما هم سؤال باشد.

■ **بله، اگر ممکن است بفرمایید.**

یکی از نقاط ضعفی که وجود داشت، آنتن دهی تلفن های همراه بود که معمولاً تلفن ها آنتن نداشتند و اگر هم آنتن داشتند ظرفیت کافی برای ارتباط مستمر وجود نداشت. اعتراضات متعددی را ما در این زمینه داشتیم و عملاً در روزهای شلوغ تلفن های همراه کارآیی لازم را نداشتند. نکته بعدی در بحث اطلاع رسانی بود، به نظر می رسد تابلوهای خروجی مان کافی نبود و می توانست بیشتر از این باشد.

اشکال بعدی عمل نکردن دستگاه های کارت خوان در دوروز اول بود که به اشکال مخابرات و پشتیبانی بازمی گشت گرچه شرکت مخابرات و منطقه ۸ همکاری بسیار خوبی با ما داشتند و با تلاش شبانه روزی آنها مشکل برطرف شد. شاید مورد بعدی اشکال نباشد و بهتر باشد بگوییم «پیشنهاد» است. ما در نمایشگاه باجه هایی با عنوان «از ما بپرسید» داشتیم، اما چیزی به اسم «به ما بگویید» نداشتیم. یعنی می شد جایی باشد که مردم بتوانند نقطه نظرات خودشان را بازگو کنند.

■ **وقتی که در برنامه «مثلث شیشه ای» درباره نمایشگاه کتاب نظرسنجی پیامکی برگزار شد، این سؤال برایم پیش آمد که چرا شما خودتان به نظرسنجی و افکارسنجی درباره برگزاری نمایشگاه امسال دست نزنید؟**

ما در نمایشگاه بخش نظرسنجی داشتیم. در این دوره پنج مرکز کار نظرسنجی از مخاطبان را انجام می دادند. آنچه درباره باجه های «به ما بگویید» عرض کردیم، منظور نظرسنجی نبود، بلکه محلی برای دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات بود. ممکن است نکاتی به ذهن بازدیدکنندگان برسد یا مشاهده کنند که ما به آنها توجهی نکرده باشیم. این پیشنهادات به ما کمک می کند با توجه به قابلیت های آنها به مرحله اجرایی برسد. ان شاءالله در دوره های بعدی این اشکالات رفع خواهند شد.

■ **شما در بخشی از صحبت هایتان به فروش دو میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومانی کتاب به وسیله دستگاه های کارت خوان اشاره کردید، اگر امکان دارد درباره فروش نقدی کتاب هم توضیحی بدهید. آیا مشخص است که در این دوره چه میزان کتاب فروخته شده است؟**

مشخصاً عدد دقیقی از مجموع فروش کتاب های نمایشگاه در دست نیست، اما در بخش خارجی به صورت ارزی حدود ۱۰ میلیون دلار فروش داشته و فکر می کنم این مقدار یا یک و نیم برابر آن هم در بخش فروش ریالی ناشران خارجی داشته باشیم که جمعاً ۲۰ تا ۲۵ میلیون دلار در بخش خارجی خواهد بود. به نظر می رسد دو برابر این رقم هم در بخش ناشران داخلی فروش داشته باشیم. نکته ای که در مذاکره با ناشران پرکار شنیده می شد افزایش فروش ۳۰ تا ۵۰ درصدی نسبت به سال گذشته بود، یکی از نکات برجسته نمایشگاه امسال خرید کتاب نسبت به سال گذشته بود که امسال این رشد به ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد.

■ **آقای قبادی، به نظر می رسد برای رسیدن به ایده آل های خود در برگزاری نمایشگاه کتاب، چشم اندازی دارید. احتمالاً نمایشگاه امسال با همه موفقیت هایی که ذکر کردید ایده آل شما نیست. برای رسیدن به ایده آل مورد نظرتان چه برنامه و چه چشم اندازی برای آینده دارید؟**

اتفاقاً به نکته بسیار درستی اشاره کردید. ما اهدافی را که تاکنون به دنبالش بودیم شاید رسیده باشیم که مهمترین این اهداف رویکرد مناسب مردم به کتاب است. ما بارها اعلام کردیم که عددهای منتشره با مضمون درصد کتابخوانی در کشور از دو دقیقه تا چند دقیقه صحیح نیست، دلیل و تأیید این ادعا حضور میلیونی مردم خوبمان در نمایشگاه است که از سراسر کشور به نمایشگاه می آیند و شاید اغراق نباشد که بیش از ۶۰ درصد مردم با کتاب از نمایشگاه خارج می شدند. این موضوع نشان از موفقیت اهداف نمایشگاه کتاب دارد. رویکرد ما در دوره بعد مشخصاً در بخش اجرایی، ارتقای بیشتر خدمات عمومی نسبت به دوره های قبل تر است، یعنی ما لازم است در برنامه ریزی هایمان با هماهنگی نهاد ریاست جمهوری و سازمان مدیریت و برنامه کشور اعتبار مشخصی را برای ارتقای خدمات عمومی در نمایشگاه کتاب تهران اختصاص بدهیم. یعنی صرف اینکه ما از اعتبارات موجود خودمان در این راه اختصاص بدهیم دیگر کافی نیست، یعنی این ۴/۵ میلیون بازدید کننده که وارد نمایشگاه می شوند مشخصاً باید یک سری فهرست های دقیق برای خدمات عمومی آنها داشته باشیم. تأمین این فهرست ها نیاز به اعتبار و بودجه خاص دارد، برنامه ریزان بودجه کشور باید به نمایشگاه به عنوان یک فرصت مناسب فرهنگی در کشور توجه کنند. ما هیچ برنامه مشابهی در کشور نداریم که طی ۱۱ روز این همه استمرار داشته و با این حجم آمد و شد مواجه باشد. ما غیر از مناسبت ایام دهه فجر ایام دیگری سراغ نداریم که با این حجم مخاطب مواجه باشد، پس بنابراین وظیفه تمامی دستگاه ها و مشخصاً معاون برنامه ریزی کشور است که اعتبار مشخصی را به این امر اختصاص بدهند تا ما به طور مشخص و ویژه به مردم خدمت کنیم. حالا بحث تخفیف و نرخ کتاب موضوع دیگری است، اما حضور درخور توجه مردم وظیفه همه ما را سنگین می کند که خدمت ویژه ای به آنها ارائه کنیم که حداقل در این حضور خسته نشوند. این کمترین چیزی است که یک بازدیدکننده از ما توقع دارد، یا اگر خسته می شوند ما باید برنامه ای داشته باشیم که سختی این چند ساعت حضور برایشان راحت تر باشد.

یکی از نکات برجسته نمایشگاه امسال رشد خرید کتاب نسبت به سال گذشته بود که امسال به ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد

■ **فارغ از آنکه نمایشگاه امسال بهتر از دوره قبل برگزار شده و مردم هم راضی هستند، اما مشکل اصلی نمایشگاه این است که مصلی هنوز کامل نشده و کاربری آن نمایشگاهی نیست، یعنی بخشی از امکانات مثل سالن های پذیرایی در آن غایب است. با این حساب ما به محل دائمی نمایشگاه های کتاب نیاز داریم، به نظر شما چه زمانی به محل دائمی نمایشگاه دست پیدا خواهیم کرد؟**

این را باید از مسئولان امر سؤال کرد، اما محل مصلی برای جایگزینی محل قبلی (مؤسسه نمایشگاه های بین المللی) مناسب بود و می توانم بگویم ما حتی گزینه دومی هم نداشتیم و طبیعی است تا زمانی که محل دائمی نمایشگاه کتاب تهران راه اندازی شود مصلی بهترین گزینه خواهد بود.

■ **بله، در شرایط موجود مصلی انتخاب خوبی است و در مجموع محل مناسب تری نسبت به قبل است...**

... ما باید آن امکاناتی را که گفتم در این محل پیش بینی کنیم. الحمدلله همکاری خوب مدیریت مصلی هم این رویکرد جدید را ایجاد کرده که توسعه و ادامه ساخت مصلی را با توجه به نیازهای فرهنگی و مذهبی ادامه بدهند. خوشبختانه چراغ مصلی روشن بوده، اما با حضور نمایشگاه قرآن کریم و کتاب روشن تر شده و ما شاهد آن هستیم که طی دوسال گذشته- جدا از نماز عید فطر- یعنی از اردیبهشت گذشته تا امسال حدود ۱۰ میلیون نفر را مصلی پذیرا بوده و ۱۰ میلیون بار از مصلی بازدید به عمل آمده و این مایه مباهات است.

خوشبختانه از طریق نظرسنجی تلویزیون که شب گذشته انجام شد مردم اعلام کردند که این دوره از نمایشگاه رو به رشد بوده و امیدواریم اگر عمری باقی باشد و فرصت کافی و امکانات لازم را داشته باشیم، برنامه های خوبی برای دوره های بعدی اجرا کنیم.

جهان شگفت انگیز ادبیات کودک

سرزمین مرجان‌ها و تخیلات!

[مهران رادین]

● **یک**

«هر بچه ای خواه ناخواه بزرگ می شود؛ البته در این میان یکی استثناست. بچه ها خیلی زود می فهمند چاره ای نیست، جز بزرگ شدن. می دانید وندی چه جوری فهمید؟ هنوز بفهمی نفهمی دوسالش نشده بود که یک روز موقع بازی تو باغ گلی چید و دوید طرف مادرش. ظاهراً خیلی مامانی شده بود، چون مادرش دست گذاشته روی قلبش و داد زد: «آخ، چه می شد اگر می توانستی تا ابد همین جور بمانی!» همین اشاره بس بود که وندی بفهمد آخرش بزرگ می شود. بله، آدم دو ساله که شد، تازه یک چیزهایی دستگیرش می شود. دو سالگی هم شروع است و هم ختم.

شماره پلاک خانه شان ۱۴ بود و تا وندی دنیا نیامده مادرش ... احساساتش مثل قوطی های تو در توی کوچکی بود که از شرق اسرارآمیز می آوردند و هر قوطی را که باز می کردی، یکی دیگر هم تویش بود ... و اما آقای دارلینگ چطور به خانم دارلینگ رسید؟ وقتی خانم دارلینگ دختر جوانی بود چند تا جوان ... همه راه افتادند طرف خانه اش که از او خواستگاری کنند اما آقای دارلینگ ناقلا تاکسی گرفت و زودتر از همه رسید ... آقای دارلینگ ... از آن آدم های توداری بود که شام و ناهارشان اوراق بورس و سهام است. البته هیچ بنی بشری راست راستی از زیر و بم بورس و سهام خبر ندارد، اما او طوری عاقل اندر سینه نگاه می کرد و آینده هر سهامی را پیش بینی می کرد که هر کسی سرشار از تحسین می شد.

... به این ترتیب خانم دارلینگ رفت تو لباس سفید عروسی ... چند سال گذشت و اول وندی آمد، بعد جان و بعد هم مایکل.

هنوز یکی دو هفته از تولد وندی نگذشته، به هول و ولا افتادند که چطور نگهش دارند، چون یک سر نانخور بشان اضافه شده بود.»

«پیتر پن» رمان شگفت انگیز «ج.م. بری»، احتمالاً مشهورترین اثر داستانی ادبیات کودک و نوجوان قرن بیستم است که ما از حافظه خود می توانیم به آن استناد کنیم. همه آن چیزهایی که باید باشد در چنین اثری، در «پیتر پن» موجود است: آدم های واقعی که درگیر موقعیت های طنزآمیزند؛ آدم های تخیلی که درگیر موقعیت های جدی اند؛ طنزی که ما را می خنداند؛ طنزی که ما را به تفکر وامی دارد؛ طنزی که منجر به ایجاد موقعیت های دلهره آور برای شخصیت های واقعی داستان می شود؛ موقعیت های دلهره آوری که سرانجامی جز طنز ندارند؛ تخیلی که حد و مرز نمی شناسد و ما تنها در «افسانه پریان» می توانیم در جست وجویش باشیم و از طرفی دیگر، واقع نمایی حوادث نیز هیچ شباهتی به افسانه پریان ندارد؛ شخصیت هایی که کارهای خارق عادت انجام می دهند ولی به اندازه شخصیت هایی که ما در محله یا مدرسه مان می شناسیم واقعی اند؛ جذابیت همزمان، هم برای کودکان هم برای بزرگسالان؛ فضای شاعرانه ای که انگار از شعرهای «میلتون» و «بهشت گمشده» به رمان سرک کشیده اند و در پایان، درس های اخلاقی فراوان که اصلاً وارد حوزه آموزش مستقیم نمی شوند و ناخودآگاه مخاطبان را تحت تأثیر قرار می دهند.

بسیاری از موفق ترین آثار داستانی ادبیات کودک در قرن بیستم، حتی واجد نیمی از خصوصیت های یادشده نبوده اما در جذب مخاطب موفق بوده اند پس مشخص است چرا این رمان ـ و فقط این رمان ـ این قدر در حافظه ما جا خوش کرده و مثل نخستین جوجه چکاوکی که سر از تخم بیرون آورده باشد با چشم های بسته، بقیه تخم های هنوز باز نشده را، از آشیانه ای که لااقل ۱۰ متر با زمین فاصله دارد، به زمین می اندازد تا تنها خودش بماند و برای پدر و مادرش [در اینجا خوانندگان مشتاق این «گونه» ادبی] خودش را لوس کند!

اما درباره ج.م.تری... او در ۱۹ مه ۱۸۶۰ در کریمیور اسکاتلند در خانواده ای که رزق و روزی شان را از راه بافندگی تأمین می کردند، به دنیا آمد. در مدرسه عالی گلاسکو درس خواند و از دانشگاه ادینبورو فارغ التحصیل شد. بعد خبرنگار ناتینگهم جورنال شد و در ۱۸۸۵ به لندن رفت. اولین کتابش در ۱۸۷۷ منتشر شد اما با دومین و سومین کتابش [وقتی مردی مجرد است - ۱۸۸۸ - و پنجره ای در ترومز - ۱۸۸۹] به شهرت رسید. تا ۱۹۰۰، سه کتاب پرفروش دیگر هم منتشر کرد: «وزیر کوچولو» (۱۸۹۱)، «تامی احساساتی» (۱۸۹۶) و دنباله آن، «تامی و گریزل» (۱۹۰۰). در «مرغک سفید» (۱۹۰۲) بود که برای اولین بار شخصیت «پیترپن» - پسری که با بدی ها می جنگید و قدرت های عجیب و تخیلی داشت - ظاهر شد و بعد در ۱۹۰۴، بدل به شخصیت اصلی رمانی به همین نام شد. شخصیت های رمان «پیترپن» چند بار دیگر هم در آثار «بری» ظاهر شدند مثلاً در «پیتر پن در کنزینگتن گاردنز» (۱۹۰۶) یا در «وقتی وندی بزرگ می شود» (۱۹۰۸) یا در «پیتر و وندی» (۱۹۱۱). بری در ۱۹ ژوئن ۱۹۳۷ درگذشت. [به یاد داشته باشیم که در «۱۹» مه به دنیا آمد و در «۱۹» ژوئن از دنیا رفت و این هماهنگی، فقط در جهان پیتر پن ممکن است. جهانی که پیرمرد ۷۷ ساله، به شکل و شمایل یک کودک، با کتاب هایش ، با خوانندگانش ، با ما خداحافظی کرد و به جزیره ای رفت که جز پرواز کردن فراز نخل ها و تن به آب زدن میان مرجان هایش، کاری نداشت.]

● **دو**

«هیچستان که حس کرد پیتر دارد بر می گردد، دوباره جان گرفت. لازم بود ماضی بعید به کار ببریم و بگوییم جان گرفته بود، اما جان گرفت بهتر است و پیتر هم همیشه همین جور می گوید.

در غیابش معمولاً همه چیز در جزیره آرام است. پری ها صبح ها یک ساعت بیشتر می خوابند، جانوران وحشی با توله هاشان به سر می برند، سرخ پوست ها شش شبانه روز غذای سیر می خورند، و وقتی دزدهای دریایی و پسرهای گمشده به هم می رسند، فقط برای هم شاخ و شانه می کشند. اما با بازگشت پیتر، که از تنبلی نفرت دارد، باز همه راه می افتند: اگر گوش به زمین بگذاری، می شنوی که تمام جزیره در جنب و جوش زندگی است.

در شب مورد نظر وضع نیروهای اصلی موجود در جزیره به قرار زیر بود: پسرهای گمشده در جست وجوی پیتر بودند، دزدهای دریایی به دنبال پسرهای گمشده می گشتند، سرخ پوست ها در تعقیب دزدهای دریایی بودند، و جانوران در پی سرخ پوست ها. آنها مدام دور جزیره می گشتند، اما به هم بر نمی خوردند، چون سرعت شان یکی بود.»

جزیره ای که «بری» توصیف اش می کند همان سرزمین رؤیاهاست که همه افسانه ها ، آنجا قایم شده اند تا از چشم ما دور بمانند. جایی که آدم ها پیر نمی شوند بچه ها بزرگ نمی شوند. جایی که بچه های گمشده را می شود آنجا پیدا کرد، «آدم های از میان ما رفته» را می شود آنجا پیدا کرد. این مکان، همان جایی است که چه ما یک بچه هفت - هشت ساله باشیم چه یک آدم پیر هفتاد- هشتاد ساله، دوست داریم از آن بشنویم چون به نیاز درونی ما به رؤیا دیدن، جدا شدن از زندگی عادی، پرواز کردن به دنیای خواب ها، وارد دنیای نقاشی شدن و مثل نت های موسیقی اوج گرفتن و فرود آمدن جواب می دهد.

البته نباید از یاد برد که همه گیر شدن این رمان و از حافظه جمعی نسلی به حافظه جمعی نسلی دیگر منتقل شدن اش، حاصل تعامل سخت کوشانه سینما با آن نیز، بوده است. اولین فیلمی که از روی این رمان ساخته شد تاریخ ۱۹۲۴ در شناسنامه دارد اما آنچه ما را به یاد پیتر پن می اندازد انیمیشن محصول ۱۹۵۴ والت دیزنی است و نه حتی فیلم «هوک» که در ۱۹۹۱ ساخته شد و فیلمنامه اش براساس حضور پیتر پن - نه فقط در این رمان که در رمان های دیگر «بری» هم ـ سامان گرفته بود و البته هرگز نتوانست اثر قابل ملاحظه ای در سینمای فانتزی باشد و بیشتر به رونویسی آثار تخیلی - استودیویی سینمای دهه شصت شبیه بود تا اقتباسی تمام عیار از یک شاهکار ادبی: «درست در همین لحظه هوک ضربه زد. سر پیتر گیج رفت، نه از درد، بلکه از نامردی هوک. پاک درمانده شد. فقط توانست ترسان زل بزند. هربچه ای وقتی اولین بار با نامردی روبرو می شود، همین حال را دارد.»

بگذارید این طور موضوع را درز بگیریم: پیتر پن ، خود ماییم!